

انواع افسانه‌سرله

رضا باقری شرف

اصولاً پسرها که سهله، آدما چند نوع هستند... آدمیزاد دویا هم که چند نوع باشه، اخلاقیات و خلق و خو و سبک و سیاقش لابد فرق می‌کنه دیگه! وگرنه نمی‌گفتن «آدم هست تا آدم!»

و از اون جایی که قراره ما به همه چیز - از شیر مرغ تا جون آدمیزاد - به دید پسرانه نگاه کنیم (خدا به خیر کنه!) فقط به اون دسته از جمعیت مذکر کار داریم که تازه پشت لبشون داره سبز می‌شه، و یا قبلاً این اتفاق خوش یمن براشون رخ داده! و با در نظر گرفتن یک‌سری تعریفات سری، «کاکل‌زری» حساب می‌شن... [ذکر یک مقدار توضیحات توسط نگارنده: و صدا البته چون ما اصلاً صفحه دخترونه‌هارو نگاه هم نمی‌کنیم - ان‌شاء... که همین طوره! - چه برسد به این که بخونیمشون! پس نتیجه می‌گیریم قشر مقابل هم همین سیاست‌رو درباره ما اتخاذ کردند! پایان ذکر نکته سری توسط نگارنده!]

کجا بودیم؟! آها... جمعیت مذکر - اونم از نوع پسرانه‌ش - و علایق و خلق و خواهشون...



دسته اول: برو کنار! یم‌چرخ‌بزن، داره می‌ادا!

اوه اوه...! به مرگ خودمان قصد نداریم قبح‌شکنی کنیم. هر چی هست راست و حسینی داریم می‌گیریم! ان‌شاء... که خودتان جزو این دسته کاکل‌زری‌ها نیستین... رفیق و آشنای این کاره هم اگه دارین، خدا آخر و عاقبتونو بخیر بگذرونه!

اون دسته از عزیزانی که ذکر خیرشون شد، از بدو تولد، فقط با یه چرخ از تمام چرخ‌ها و لاستیک‌های وسایل و وسایط نقلیه‌ای که در اختیار داشتن تردد کردند (از رورونک گرفته تا سه‌چرخه و موتورسیکلت!)

زبان نگارنده لال! ولی احتمالاً عمر نود درصد از این کاره‌ها به ۳۵ سالگی کفاف نداده که هیچ! خوش‌شانس‌ترین این خالایق ۲۶ سالگی‌شان را هم به ثبت نمی‌رسونن!



دسته دوم: فک و فامیل‌های انیشتین!

به نظر بعضی‌ها تفرانگیزترین هم‌کلاسی‌های دوران دبستان و راهنمایی و دبیرستان و احتمالاً دانشگاه! اگر جزو این دسته از شازده‌ها تشریف داشتین، الان نباید مشغول خواندن این متن باشین! در منابع بسیار معتبر آمده، گروه مذکور که تسلسلش رو به انقراض گراییده! تا جان در بدن دارن و عمر به دنیا، سر در جیب مکاشفت دارن و مطالعات و این‌گونه مباحث ملالت‌آور!

مع‌الوصف، یکی دو فقره از این دوست و آشناها در توبره داشته باشین جای دوری نخواهد رفت! روز امتحان پایان ترم این‌گونه دوست و آشناها از نان شب هم واجب‌تر است.



دسته چهارم: روم سیاه! بیل‌بورد تبلیقاتی!

خوش تیپ و خوش لباس بودن با یه چیزای دیگه خیلی فرق داره... اما واسه این که یه سری حرفا پشت سر ما نگوین، به همین تصویر بالا اکتفا کردیم!



دسته سوم: آبیته یا هیچ کدوم؟!!

ای آقا چرا بعضیا ترش کردن؟! این آبیته‌هارو که نگفتیم! منظورمون چلسی بود جان شما! هیچی دیگه... این دسته از عزیزان تمام بازی‌های فوتبال دنیا رو در تمام ۲۴ ساعت شبانه‌روز تحت پوشش دارن و جیک ثانیه آمار برترین گل‌زنان لیگ باشگاه‌های بولیوی و مالدیو و سواحل گینه جنوبی و آرژانتین و برزیل و اسپانیا و صدا کشور دیگه رو میذارن کف دستون. همه‌شون هم پای حرف که وسط باشه یه پا «خوزه مورینیو» و «کریستیانو رونالدو» هستن... ولی پای عمل که درمیان باشه...؟!!



دسته ششم: پرتفالی شو دوس داری یا سیب موز؟!

همیشه شعبون یه بار هم رمضون! همش که نمی شه عادت های خوب و نیمه خوب رو گفت! البته اینی که الان می خوایم بگیم، علاقه مشترکه... بین خانم ها و آقایون... ولی نه از همونایی که بهش میگن تفاهم! قلیووووووون!

در وصف این دسته از علاقه مندی ها فقط اینو می گیم که کاش فلان ارگان در جمع آوری قهوه خانه های سنتی که مرکز تجمع جوان ها برای صرف قلیان هستند، جدیت کاملی به خرج می داد و فقط یک طرح یک ماهه رو اجرا نمی کردند و به طور کامل دنبال این طرح رو می گرفتند! «اوه اوه... خیلی شعاری شد؟!»



دسته هشتم: حالا شمع ها رو فوت کن!

جریان تولد نیست! مگه هر شمعی شمع تولده؟! این دسته از گل پسرا قبل از این که شمع ها رو فوت کنن، از این آهنگ ها می دارن که غدد اشکی آدمیزاد رو می ترکونه و ظرف دو سه ساعت از آدم شنگول و منگول، یه افسرده به تمام معنا می سازن! بعدشم که فضا احساسی شد شمع و گل و پروانه می طلبه و اشک و آه و ناله و... آخرشم که از آقا می پرسن جریان چیه؟!

جواب میده الان آلبوم فلانی اومده! آخه جناب کوه احساسات! گلی به جمالت... شما که جزو دسته هشتم هستین، دسته هفتم رو هم رو سفید کردین! از اونجا که این مبحث علایق خیلی گسترده تر از انتظار ما ظاهر شد! بهتره که ادامه شو بذاریم برای شماره بعد... شاید ما اون موقع هم شما یادتون رفت قرار بوده ادامه داشته باشه، هم ما! ●



دسته هفتم: Volume بده داداش!

این دسته هم برای خودشون حال و هوایی دارن که کمی خطریه! اگه این مدل همسایه ای گیرتون اومده بهترین راه کار اینه که یا برید پیش یه متخصص مغز و اعصاب و اشتراک ماهانه بگیرین تا هر ماه تشریف ببرید پیش شون تا اعصاب پیاده شده شما را یه سر و سامونی بده، یا این که شما هم هم رنگ جماعت شید که باز هم در حالت دوم باید پیش همون متخصص مغز و اعصاب تشریف ببرید! با این تفاوت که در حالت دوم اشتراک شما باید جوری باشه که هفته ای یه بار پیش متخصص برید!

خب حالا مگه موسیقی سنتی خودمون چه ایرادی داره که از این آهنگ خارجی ها گوش می دین؟! تازه ششم... بی ادبیه ها! جسارت نشه؟! ما که نمی دونیم اون اخوی یا آبجی خارجی که داره می خونه بین حرفاش و آهنگش بد و بیراه بار ما نمی کنه یا آره؟!



دسته پنجم: یه پا کدبانو!

ماشالا ماشالا! از هر انگشتش هزارتا هنر می باشه! اشتباه نکنید... اینجا نه صفحه دخترنوست! و نه خط بالا قسمتی از دیالوگ یک فیلم خانوادگی در وصف دختر دم بخت خانواده! گرچه باورش برای خودما هم سخته ولی گروه بسیار نادر و کمیاب و چه بسا، نایابی! از آقایون رو می شه کشف کرد که علایقی دارن، خطرناک!

وجود این گروه آقایون لطمات و صدمات جبران ناپذیری به پیکره آرامش سایر آقایون زده و خواب و خوراک و آسایش رو از زندگی اکثریت آقایون برده. این دسته از جمعیت مذکر تا آخرین روزهای عمرشون به دنبال فراگیری دستور پخت قورمه سبزی و آش رشته بوده و در این راه جان فشانی ها کرده اند! ایشان این بُعد از روحیه خود را در دوران دانشجویی و اقامت در خوابگاه دانشجویی یا منزل مجردی کشف کرده و پس از پخت اولین «املت» و قالب کردن آن به هم اتاقی ها، بر اثر چالپوسی دوستانی که می خواستند از زیر بار آشپزی شانه خالی کنند مورد تشویقات بی امان و جانانه قرار گرفته و از آنجا که جنبه تعریف و تمجید را نداشته و هنوزم ندارند! به یک خودباوری منفی رسیده اند به اسم: «خود آشپزی بینی منفی!» منابع آگاه گزارش داده اند سطح گمراهی این دسته، از علاقه به آشپزی به علاقه به ظرف شستن، لباس شستن، گردگیری و خدای ناکرده بچه داری! در حال ارتقا بوده و نگرانی سایر جمعیت مذکر را که با شرافت در حال گذران زندگی هستند برانگیخته است!

البته بماند که جمعیت و جنس مخالف هنوز این معجزه و جهش ژنتیکی را به طور کامل باور نداشته و مباحث ذکر شده را افسانه می پندارند! که ما به افسانه بودن آن امیدواریم.